روزنامه شرق

جهان . یادبود

سلامی دوباره به حلقه وصل ارتباطات ایران — صفحه ۸

معتمدنژاد «آغاز»؛ نه «پایان» راه — صفحه ۹

آموزش خصوصی دفاع شخصی در برابر مزاحمان خیابانی — صفحه ۱۰

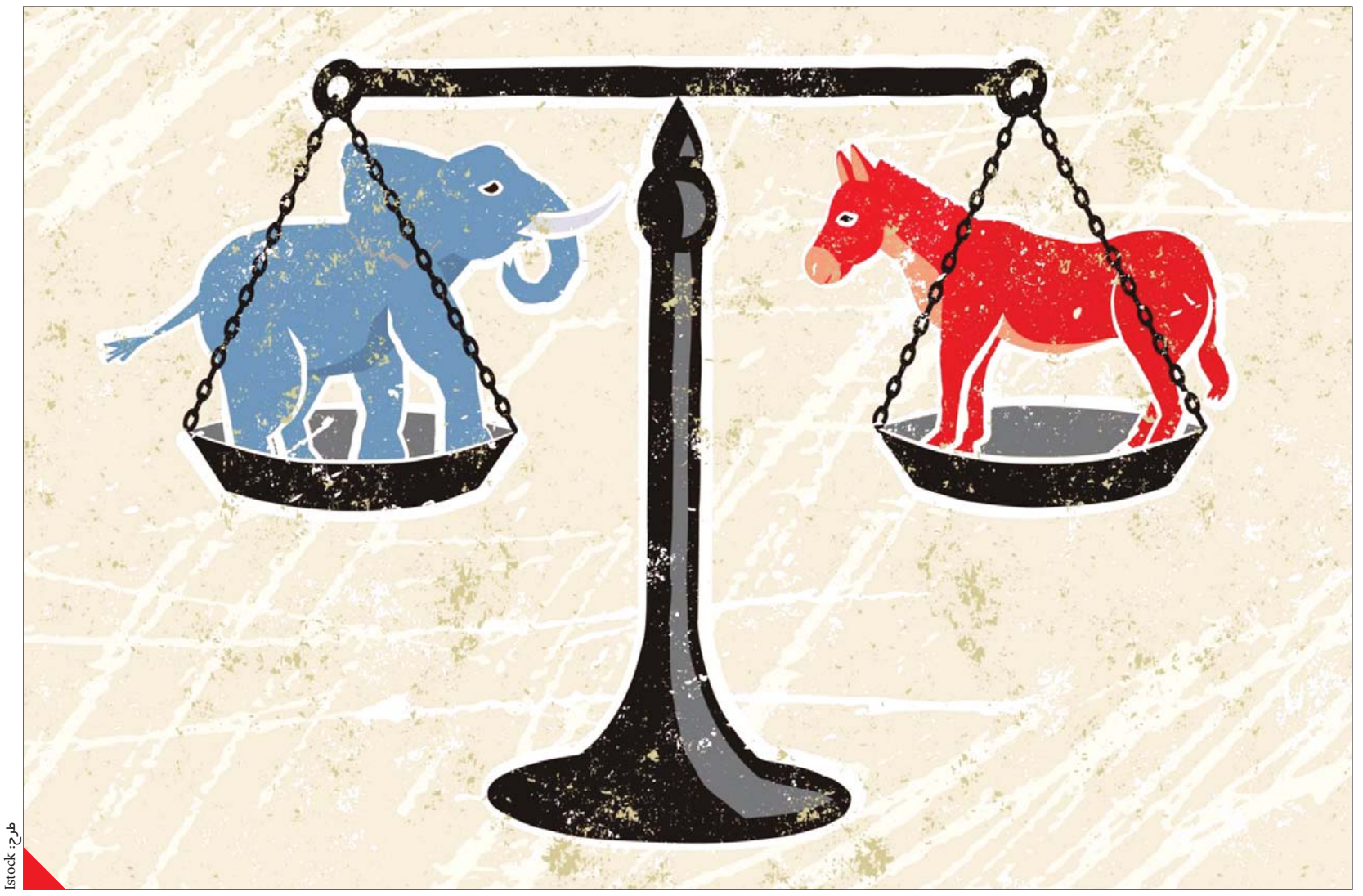

طرح: Istock

انتخابات نوامبر ۲۰۱۳ آمریکا و پیامدهای آن

محسن عبدالهی*

نوامبر امسال همچون بسیاری از نوامبرها، شاهد برگزاری انتخابات در آمریکا بودیم. رقابت‌هایی که به عقیده بسیاری از کارشناسان، مقدمه‌ای برای پیش‌بینی نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای سال آینده میلادی خواهد بود. برخی با رصد این انتخابات و نتایج آن برآنند تا سمت و سوی اقبال عمومی را برای رقابت‌های انتخاباتی کنگره در سال ۲۰۱۴ و حتی انتخابات سراسری ۲۰۱۶ مشخص کنند.

۵ نوامبر در چندین ایالت آمریکا انتخابات مختلف برگزار شد. در دو ایالت نیوجرسی و ویرجینیا، رقابت بین دو حزب اصلی جمهوریخواه و دموکرات بر سر تصاحب کرسی فرمانداری بود و در شهر بسیار مهم و نزدیک به آنها یعنی نیویورک، انتخابات شهرداری برگزار شد. نتایج هر یک از این انتخابات‌ها بسیار حائز اهمیت است. از ایالت نیوجرسی «کریس کریستی» برای یک دوره دیگر توانست پست فرمانداری را از آن خود کند. کریستی یک جمهوریخواه میانه‌رو محسوب می‌شود و بنا بر شواهد بسیار، وی خود را آماده کاندیداتوری از حزب جمهوریخواه برای رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ می‌کند. قضیه آنقدر جدی است که برخی از رسانه‌ها از عزم وی برای کاهش وزن خبر داده‌اند. رای‌دهندگان آمریکایی علاوه بر برنامه‌های متقاضیان ورود به کاخ سفید، به دقت به مسایلی نظیر خانواده، زندگی شخصی و حتی وضعیت و شکل و شمایل فیزیکی کاندیداها توجه می‌کنند. از همین‌رو کریستی ۵۱ساله علاوه بر سازماندهی تیم و برنامه‌هایش، بهبود وضعیت فیزیکی را نیز در اولویت خود قرار داده است. از سوی دیگر با ابقای وی در سمت فرمانداری نیوجرسی، احتمال ریاست وی بر انجمن فرمانداران جمهوریخواه قوت گرفته و از همین جایگاه وی می‌تواند در کمیته ملی جمهوریخواهان مراتب ترقی را طی کرده و در سه سالی که تا انتخابات باقی مانده، نظر جناح‌های مختلف حزب را به خود جلب کند.

انتخابات نیوجرسی از دو زاویه دیگر نیز مهم است. نخست نتایج و درصد رای برنده این کاندیدای پیروز و مفهوم آن برای انتخابات ۲۰۱۴ است. شکست رقیب دموکرات یعنی خانم «باربارا بوونو» از کریستی با اختلاف بسیار زیاد (۳۸ در مقابل ۶۰درصد) می‌تواند تا حدود زیادی جو عمومی برای انتخابات سال آینده در این ایالت را مشخص کند. با نگاه دقیق‌تر به الگوی رای، در می‌یابیم از ۲۱ ناحیه در ایالت نیوجرسی، دموکرات‌ها تنها موفق شدند در دو ناحیه پیروز شوند که این روند برای آنها در انتخابات آتی برای مجلس نمایندگان که اعضای آن از نواحی و بخش‌های هر ایالت انتخاب می‌شوند بسیار ناامیدکننده است، خصوصا اینکه اکثریت مردم این ایالت به حزب دموکرات متمایل بوده و ایالتی نسبتا آبی محسوب می‌شود. از یاد نبریم هم‌اکنون برنامه‌های اصلی رییس‌جمهور دموکرات آمریکا از سوی جمهوریخواهان خانه نمایندگان خصوصا اعضای تندرو جنبش موسوم به تی‌پارتی مورد انتقاد بوده و بسیاری از این برنامه‌ها با موانع جدی برای طی کردن فرآیند قانون‌سازی مواجه هستند.

زاویه دوم پیامد انتخاب کریس کریستی برای حزب جمهوریخواه هست. از فردای انتخاب دوم «باراک اوباما» به‌عنوان رییس‌جمهور، نام شخصیت‌های مهم سیاسی به‌عنوان نامزدهای بالقوه رقابت‌های ۲۰۱۶ شنیده می‌شود. برای مثال در حزب رقیب کریستی، یعنی دموکرات‌ها افرادی نظیر «هیلاری کلینتون» و «جو بایدن» از جمله محتمل‌ترین گزینه‌ها برای جانشینی اوباما محسوب می‌شوند. در حزب جمهوریخواه نیز «تد کروز» سناتور جوان و ۴۲ساله از ایالت تگزاس، یکی از چهره‌های محتمل است که با توجه به وابستگی وی به جناح تندرو یعنی تی‌پارتی، جلب توجه فراوانی کرده است. تمایل کلیت حزب جمهوریخواه به چهره‌هایی نظیر فرماندار نیوجرسی که از میانه‌روهای حزب محسوب می‌شود به معنای تضعیف تندروها و عزم سران و جناح‌های مختلف حزب جمهوریخواه برای پرهیز از تندروی و اتخاذ رویکردی میانه‌روتر خواهد بود. البته این مساله هنوز به صورت کامل رنگ واقعیت به خود نگرفته اما نشانه‌هایی از بروز عقلانیت در بین دسته‌های مختلف حزب به چشم می‌خورد.

انتخابات فرمانداری ویرجینیا صحنه رقابت نفسگیر «تری مک‌آلیف» از حزب دموکرات و «کن کاچینلی» از حزب جمهوریخواه بود. نکته اول اینکه ویرجینیا تنها ایالت در بین ۵۰ ایالت آمریکاست که طبق قانون اساسی آن فرماندار تنها حق انتخاب‌شدن برای یک دوره را دارد و نمی‌تواند برای بیش از یک‌بار نامزد این پست شود. با این حساب معمولا در هر دوره، رقابت‌ها داغ است؛ برخلاف آنچه در انتخابات نیوجرسی شاهد بودیم و تقریبا مسجل بود که کریستی رای لازم را از آن خود خواهد کرد و فقط میزان فاصله با رقیب جای بحث و جدل بود. تا دو هفته پیش از انتخابات، نظرسنجی‌ها از فاصله حدود ۲۰درصدی مک آلیف با رقیب جمهوریخواه خود حکایت داشت اما در این فاصله مساله اجرای قانون بیمه خدمات درمانی اوباما (OBAMACARE) و اشکال اساسی در وب‌سایت مربوطه، موجب ریزش شدید رای وی شد و شاید اگر انتخابات چند روزی دیرتر برگزار می‌شد یا حضور شخص اوباما در جمع هواداران مک آلیف در آرلینگتون به تاریخ ۳ نوامبر نبود، چه بسا کاچینلی جمهوریخواه برنده این رقابت بود. باید گفت از یک سو کاچینلی به شدت از نقایص و سوءمدیریت دولت اوباما در بحث بیمه خدمات درمانی کمال استفاده را کرد و شدیدا به این بهانه علیه رقیب خود زبان به انتقاد گشود و در مقابل، دموکرات‌ها و اوباما، با پیش‌کشیدن بحث تعطیلی دولت فدرال و مقصر جلوه‌دادن اعضای تی‌پارتی، سعی کردند تا انتخابات را تبدیل به رفراندومی علیه جنبش تی‌پارتی کنند. به‌ویژه اینکه کاچینلی از جمله محافظه‌کاران حزب جمهوریخواه بوده و ارتباط نزدیکی با جنبش تی‌پارتی دارد و به نوعی نمایندگی این جنبش را در این دوره از انتخابات برعهده داشت. مک آلیف با ۴۷/۷درصد از کاچینلی با ۴۵/۳درصد پیش افتاد و پیروز شد. رای نزدیک این دو نفر نشان می‌دهد که نقشه اوباما برای الگوسازی از شکست جمهوریخواهان خصوصا تندروهای این حزب برای انتخابات سال آینده کنگره و تصاحب مجلس نمایندگان چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

از طرفی از سال ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۳، هیچ نامزدی از حزب رییس‌جمهور وقت در انتخابات فرمانداری ویرجینیا رای نیاورده بود که این الگو در این دوره نقض شد. بنابراین تلاش جمهوریخواهان نیز برای الگوسازی از این انتخابات چندان به سرانجامی نرسید و آنها نتوانستند از نتیجه این رقابت برای طرح شکست برنامه‌های حزب رقیب خود در سطح فدرال و محلی بهره‌برداری لازم کنند.

انتخابات سوم و بسیار جالب دیگر در شهر نیویورک برگزار شد. اگرچه مقیاس این انتخابات در سطح شهر بود اما شاید توجه به آن و پیامدهای آن از این شهر فراتر باشد. به نظر می‌رسد امیدوارکننده‌ترین نتیجه انتخاباتی در ۵ نوامبر برای اوباما و دوستانش در شهر سیب بزرگ رقم خورد. دموکرات‌ها توانستند بعد از ۲۰ سال در انتخابات شهرداری پیروز شوند. تا پیش از این، شهردار از حزب جمهوریخواه بود یا همچون ۱۲ سال گذشته ریاست شهر بر عهده مایکل بلومبرگ مستقل اما متمایل به جمهوریخواهان بود.

چرایی اینکه در نیویورک نسبت آبی‌ها به قرمزها شش به یک است اما دو دهه نامزدهای آبی برای کسب کرسی شهرداری ناکام مانده‌اند خود داستان و بحث مجزا داشته و می‌طلبد تا در مطلب جداگانه علل و ریشه‌های آن بررسی شود. به هر حال آنچه الگوی انتخابات امسال نیویورک را پراهمیت می‌کند، تمایل دموکرات‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی آنها برای تسری نتایج انتخابات شهر به رقابت‌های سال آینده است. دموکرات‌ها سعی کرده‌اند از اقبال عمومی نسبت به حزب سخن گفته و با پیش‌کشیدن تعطیلی دولت فدرال - که بنا بر نظرسنجی‌ها، مقصر اصلی آن حزب جمهوریخواه و به ویژه اعضای تندرو آن نظیر جنبش تی‌پارتی بودند -افکار عمومی را علیه حزب رقیب خود برانگیخته و برای تصاحب اکثریت کنگره خصوصا در مجلس نمایندگان زمینه‌چینی‌های لازم کنند. غافل از اینکه اگرچه مساله تعطیلی دولت فدرال ضربه سختی به چهره جمهوریخواهان بود، اما ناکارآمدی دولت اوباما در اجرایی کردن بیمه خدمات‌درمانی، به‌عنوان تعدیل‌کننده این روند عمل کرده که در بحث نتیجه‌گیری همین مطلب مفصلا به آن پرداخته خواهد شد. دسته آخر انتخابات نیز مربوط به انتخابات ویژه برای کنگره بود. از آنجا که برخی از کرسی‌ها در کنگره به دلایل متنوعی خالی مانده بود، چند ایالت دست به برگزاری انتخابات ویژه زدند. از این میان انتخابات برای دو کرسی در سنا و سه کرسی در خانه نمایندگان پیش از پنجم نوامبر اما در همین امسال برگزار شد که نتایج آن باعث تغییر میزان سهم هیچ‌یک از دو حزب نشد. مابقی که سه کرسی برای خانه نمایندگان است

اوباما بعد از انتخابات ۲۰۱۲ فعالیت‌های خود برای چیرگی بر جمهوریخواهان را در انتخابات سال آینده میلادی آغاز کرد. نقطه‌عطف آن نیز در اظهارنظر وی بعد از رد لایحه اصلاح قانون حمل سلاح نمود پیدا کرد وقتی که اوباما بعد از عدم رای کنگره به لایحه، اصلاح این قانون را با ترکیب فعلی خانه نمایندگان دشوار دانست و بر لزوم پیگیری این اصلاحات در طول انتخابات ۲۰۱۴ تاکید کرد

قرار است بعد از این تاریخ و قبل از پایان سال میلادی برگزار شود. برای مثال در ناحیه پنجم ایالت آلاباما، انتخابات اولیه درون‌حزبی برگزار شد و نامزدهای اصلی دو حزب مشخص شدند و قرار است انتخابات نهایی در ۱۳ دسامبر برگزار شود.

مفسران سیاسی نتیجه انتخابات اولیه در آلاباما را فعال‌شدن بیش از پیش بخش‌های تجاری نظیر اتاق‌های بازرگانی در سرتاسر آمریکا می‌دانند، چرا که با حمایت فعالانه تجار و صاحبان کسب‌وکارها در این ناحیه، نامزد جناح میانه‌رو حزب جمهوریخواه توانست بر نامزد تندروها و محافظه‌کاران غلبه کند. علت نیز تعطیلی دولت فدرال توسط اعضای تی‌پارتی و آسیب‌های اقتصادی به صاحبان مشاغل و کسب‌وکارها بود. از همین‌رو پیش‌بینی می‌شود که در رقابت‌های اولیه در سال آینده میلادی، شاهد حضور پررنگ‌تر نهادهایی نظیر اتاق بازرگانی برای حمایت از برخی کاندیداها در مراحل ابتدایی باشیم.

ورای مسایل انتخاباتی، توجه به جنبه‌های تاریخی و حتی جغرافیایی مرتبط با انتخابات بعلاوه تبیین وضعیت اوباما، حزبش و جمهوریخواهان در کشمکش‌های فعلی واشنگتن‌دی‌سی حایز اهمیت است.

اول اینکه مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی بین دوره فعلی اوباما با دولت کلینتون وجود دارد. از جمله شباهت‌ها می‌توان به تعطیلی دولت فدرال در دولت اول کلینتون به مدت پنج و ۲۱ روز اشاره کرد. شباهت دیگر این است که مساله اصلی و اختلافی در دوره کلینتون با کنگره روی بحث خدمات درمانی بود، یعنی شبیه چیزی که حالا به بیمه خدمات درمانی اوباما معروف است. تفاوتش با الان این است که تعطیلی دولت در دوره اول کلینتون رخ داد اما حالا تعطیلی دولت فدرال در دوره دوم اوباما اتفاق افتاده است. کلینتون با مهارت تمام توانست از تاثیر منفی تعطیلی دولت، اجرای برنامه‌های خود و کسب کرسی‌های بیشتر در کنگره را در دوره‌های بعدی تضمین کند. اما حالا اوباما در دوره دوم خود قرار دارد و برای تحقق برنامه‌هایش، فرصت اندکی داشته و با وجود سد سخت تندروهای جمهوریخواه کنگره، هر روز بیش از گذشته امید خود را برای اجرایی‌شدن برنامه‌هایش بربادرفته می‌بیند. بر همین اساس وی با استفاده حداکثری از تعطیلی دولت فدرال و همگام با نظر افکارعمومی مبنی بر تقصیر اعضای موسوم به جنبش تی‌پارتی در این خصوص، سعی در زمینه‌چینی برای تصاحب کرسی‌های بیشتر در خانه نمایندگان و در نهایت کسب مجوز برای برنامه‌هایی نظیر مهاجرت، تنظیم بودجه فدرال و... را در فرصت اندک خود دارد.

فعالیت اوباما و حزب دموکرات برای تاثیر بر روند انتخاباتی ۲۰۱۴ بعد از وقوع تعطیلی دولت فدرال آغاز نشده است. اوباما بعد از انتخابات ۲۰۱۲ و با علم به اینکه کار دشواری در عبور از مانع خانه نمایندگان دارد، فعالیت‌های خود برای چیرگی بر جمهوریخواهان را در انتخابات سال آینده میلادی آغاز کرد. نقطه‌عطف آن نیز در اظهارنظر وی بعد از رد لایحه اصلاح قانون حمل سلاح در آوریل امسال نمود پیدا کرد وقتی که اوباما بعد از عدم رای کنگره به لایحه، در اظهارنظری اصلاح این قانون را با ترکیب فعلی خانه نمایندگان دشوار و حتی غیرممکن دانست و بر لزوم پیگیری این اصلاحات در طول انتخابات ۲۰۱۴ تاکید کرد.

دومین جنبه از انتخابات پنجم نوامبر، بعد جغرافیایی آن است. انتخابات‌های این‌روز همگی در سه ایالت از ۱۳ایالت بنیانگذار ایالات‌متحده برگزار شده و همگی در شرق آمریکا و با فاصله‌ای بسیار کم از یکدیگر از بعد مسافتی قرار دارند. بنابراین برد نتایج آن و پیش‌بینی حاصل از آن برای انتخابات آتی، کاری دشوار و با توجه به پراکندگی در این کشور پهناور، از نظر علمی نامناسب است. نتیجه انتخابات در سال‌های غیرمعمول نظیر انتخابات امسال، چندان منعکس‌کننده جو و نظر افکارعمومی برای رقابت‌های سیاسی آتی نیست. اگرچه در تاریخ انتخاباتی آمریکا استثنائاتی وجود دارد اما در کلیت نمی‌توان آثار آن را به کل آمریکا تعمیم داد. جدیدترین استثنا مربوط می‌شود به انتخابات ۲۰۱۰ که در آن در سال ۲۰۰۹، مردم دو ایالت نیوجرسی و ویرجینیا با گرایش عمدتا آبی، به فرمانداران جمهوریخواه رای دادند و این حاکی از نارضایتی عمومی نسبت به برنامه‌های اولیه اوباما بود و نتیجه آن نیز قبضه‌شدن کرسی‌های خانه نمایندگان خصوصا ورود برخی از اعضای جنبش تی‌پارتی به کنگره بود.

سوم وضعیت اوباما و حزب دموکرات در آستانه انتخابات است. دعوای دو حزب در واشنگتن در نهایت منجر به تعطیلی دولت فدرال شد و منطقا یکی از راه‌حل‌ها، کسب کرسی حداکثری در مجلستین کنگره و پیشبرد خواست‌های خود از مجاری قانونی است. دموکرات‌ها با هوشمندی توانستند از اختلافات روی مساله بودجه، مالیات و بیمه خدمات درمانی، حداکثر بهره‌برداری را برای ترغیب افکارعمومی علیه جمهوریخواهان کنند و در مقابل جمهوریخواهان نیز با عدم یکپارچگی و استیصال در مقابل عناصر تندرو درون حزب خود و حاضر در مجلس نمایندگان، فرصت مناسب را در اختیار کاخ سفید قرار دهند. نظرسنجی افکارعمومی بعد از بازگشایی دولت فدرال حاکی از برنده‌شدن اوباما در این نزاع بود. اما شاید چیزی که دموکرات‌ها خود را برای آن آماده نکرده بودند، نارسایی شدید در اجرای قانون خدمات درمانی و در راس آن، عدم کارایی مناسب سایت اینترنتی آن بود. نمود عینی آن را می‌توان در انتخابات فرمانداری ویرجینیا دید که نامزد مورد حمایت کاخ سفید، ابتدا با بهره‌گیری از گاف جمهوریخواهان در تعطیلی واشنگتن، برای هفته‌ها از رقیب خود جلو بود، اما با بروز مشکلات عدیده در اجرای بیمه خدمات درمانی، فاصله خود را با رقیب جمهوریخواه از دست داد و در نهایت با اختلاف ناچیز پیروز شد.

در جمع‌بندی باید گفت کارزار انتخاباتی ۲۰۱۴ و شاید ۲۰۱۶ آمریکا همچون سال‌های گذشته متاثر از عوامل داخلی و خارجی فراوانی است و انتخابات پنجم نوامبر، حساسیت و پیچیدگی انتخابات پیش‌رو را نشان داده و نقش عواملی نظیر عملکرد کاخ سفید در اجرای سیاست‌های خود در مابقی زمان تا نوامبر ۲۰۱۴ را مشخص می‌کند. نحوه تعامل کاخ سفید با کنگره و حتی چگونگی حل‌وفصل بودجه و کاهش‌های بودجه‌ای و افزایش یا کاهش مالیات، نحوه اجرای قانون‌های مشهوری نظیر خدمات درمانی، اصلاح سیستم آموزشی و حتی در سطح کم‌شدت‌تر و کم‌اثرتر، حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران و مساله سوریه می‌تواند از جمله شاخص‌های ارزیابی برای نامزدهای دموکرات محسوب شود. اوباما برای جلب نظر مردم آمریکا برای رای به نامزدهای دموکرات کاری بس دشوار در پیش‌رو دارد و حتی با اجرای مفتضحانه قانون خدمات درمانی که منجر به معذرت‌خواهی شخص رییس‌جمهور از مردم کشورش شد، احتمال اینکه نامزدهای دموکرات نیز به جمع منتقدان پیوسته تا افکارعمومی را جلب کنند بیشتر و بیشتر می‌شود. در مقابل جمهوریخواهان نیز کار دشواری در پیش دارند. علاوه بر گاف تعطیلی دولت فدرال که بهانه لازم را به دموکرات‌ها برای آوارکردن آن بر سرشان در طول رقابت‌های انتخابات داد، متوقف‌ماندن برخی از لوایح محبوب یا ضروری، تهدیدی برای اعتبار آنها محسوب می‌شود. لایحه‌های بودجه، مالیات و حتی خدمات درمانی از جمله مسایلی است که در نظر رای‌دهندگان، فارغ از گرایش‌های سیاسی، حل‌وفصل به‌موقع آنها از ضروریات محسوب می‌شود و لوایحی نظیر مهاجرت نیز در نزد افکارعمومی دارای اعتبار و محبوبیت فراوانی هستند. خطر اینکه به‌نتیجه‌نرسیدن این لوایح به ضرر حزب جمهوریخواه تمام شود بسیار بالا بوده و همین امر برخی از جمهوریخواهان سنا را واداشت تا با تشکیل یک گروه دوحزبی برای توافق روی جنبه‌های مختلف لایحه مزبور موافقت کنند. حال باید منتظر رقابت‌های مرحله مقدماتی در درون حزب‌ها در اوایل سال آینده میلادی بود تا اولا دید وضعیت جنبش تی‌پارتی در بدنه حزب جمهوریخواه به چه شکل است چرا که نتیجه آن می‌تواند فراتر از ۲۰۱۴ بوده و بر انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ نیز تاثیر گذارد و ثانیا در سطحی بالاتر و در رقابت بین دو حزب اصلی حاکم در آمریکا، کدام‌یک قادر خواهند بود تا سهم بیشتری از کرسی‌های کنگره را از آن خود کرده و جهت‌گیری سیاست‌های کلان در واشنگتن را مشخص کند.

*** کارشناس ارشد مطالعات آمریکا**

یادداشت

قتل شوهرعمه!

فریدون مجلسی

هنگامی که خبر برکناری جان‌سونگ‌تک، ۶۵ساله، شوهرعمه کیم‌جونگ‌اون، رهبر ۲۹ساله کره‌شمالی را شنیدم «قدری» تعجب کردم. این شوهرعمه کسی بود که تلاش کرده بود پس از مرگ رهبر ۶۵ساله پریشان‌احوال پیشین ترتیب تاج‌گذاری فرزند نوجوان ۲۷ساله او را بدهد. این کار با موفقیت انجام شد، قدری هم رژیم غذایی خاص لازم بود تا هیکل نوجوان به اندازه پدربزرگ کبیرش کیم‌ایل‌سونگ برسد و دور سرش را هم تراشید تا شباهت کامل شود و در صلاحیتش جای تردید نباشد. شوهرعمه در مقامات نظامی و سیاسی نوجوان سمت معاونت داشت. رسما نفر دوم آن کشور بود و این‌طور که می‌گویند در واقع نفر اول بود. همین چندی پیش برای دیدار با رهبر چین یعنی تنها متحد سیاسی کشورش به چین رفته بود و عکس‌هایش معقول‌تر از سیاست‌های کشورش بود. هنوز جوهر خبر برکناری‌اش خشک نشده بود که او را در مجلسی حزبی نشان دادند که یال و کوپال نظامی را کنار گذاشته و به زیر آمده و با لباس اورمک سرمه‌ای ساده در میان سایران نشسته بود. معلوم بود که فروتنی مظلومانه کرده بود که بگوید وفاداری ما بستگی به شغل و مقام ندارد و به نوعی بقای خودش را تضمین کند. بعد دو مامور مسلح آمدند و بازوانش را گرفتند و با حیرت دیدم که او را کشان‌کشان از مجلس بیرون بردند. راستش به یاد منظره مشابهی در بارگاه صدام‌حسین افتادم که طرف را به اشاره صدام از مجلس بیرون بردند و بعد صدای گلوله‌ای از بیرون مجلس شنیده شد! کات! اما درباره شوهرعمه بی‌آبروشده، با انصاف بیشتری رفتار شد؛ همان رفتاری که او قبلا بارها با دیگران کرده بود! یعنی محاکمه‌اش کردند. لابد یکی، دو سوال هم از او کردند. به اتهام کلی فساد و خیانت و تلاش برای براندازی دودمان برحق کیم‌ایل‌سونگیان! دونفر از مشاورانش را هم احتیاطا اعدام کردند تا تنها نباشد و موجب عبرت سایران هم شود. جالب آنکه مصاحبه‌شوندگان خیابانی تلویزیون دولتی کره‌شمالی، بی‌آنکه نیازی باشد خبردار باشند که قضیه چه بوده و چی شده که این‌طوری شده، متفق‌القول بودند که مقتول از همان اول خائن و فاسد و جانی و سگ هار و فلان و بهمان بوده و از کشته‌شدنش ابراز شادمانی می‌کردند!

گرچه از خبر برکناری این خویشاوند تاج‌بخش، رییس کره‌شمالی حیرت کردم، اما از خبر قتلش هیچ حیرتی نکردم، زیرا «بیله دیگ، بیله چغندر!» راستش وقتی نوجوانی چنان نابغه به زور شوهرعمه به حکومت می‌رسد، باید یک‌جوری نشان دهد که حاکم است! زیرا فکر می‌کند و شاید به او می‌گویند که این آقا که قدرت واقعی را دارد، طبیعتا با خودش می‌گوید چرا آن را مستقیما برای خودم به‌کار نبرم؟ بنابراین مرده ایشان بی‌خطرتر است! آمریکایی‌ها در زمان جنگ‌های سرخپوستی می‌گفتند «سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است!» باری شوهرعمه دستمزدت را گرفتی، تا باز که او را بکشد آنکه تو را کشت!

نگاه

اوکراین کانون رقابت شرقی – غربی در اروپا

اردشیر زارعی قنواتی

شکست نشست ۲۹ نوامبر اتحادیه اروپا در «ویلنوس» پایتخت لیتوانی در چارچوب طرح «مشارکت شرقی» که با عدم‌امضای پیمان تجارت آزاد بین این اتحادیه و اوکراین رقم خورد بار دیگر بحث نگاه به شرق یا به غرب در اروپای شرقی و جمهوری‌های استقلال‌یافته از فروپاشی شوروی را در کانون خبرهای بین‌المللی قرار داد. با تصمیم کابینه اوکراین قبل از این نشست مبنی بر به تعویق‌انداختن امضای این توافقنامه «ویکتور یانوکوویچ» رییس‌جمهوری این کشور با تمام فشاری که از داخل توسط جناح اپوزیسیون و در خارج توسط اتحادیه اروپایی بر وی وارد می‌شد، همچنان بر عزم خود برای عدم‌امضای قرارداد تجارت آزاد با اتحادیه ایستادگی کرد.

در شرایطی که به لحاظ تاریخی اوکراین بعد از استقلال خود در سال ۱۹۹۱ از شوروی سابق همواره کانون کشمکش دو گرایش شرقی و غربی بوده و فضای سیاسی - اجتماعی این کشور در قالب یک دوقطبی هویت ذاتی خود را تعریف می‌کند برای درک بهتر از وضعیت موجود، تامل در چرایی و موقعیت ساخت سیاسی - اجتماعی آن از اهمیت زیادی برخوردار است. اوکراین عینی‌ترین و شفاف‌ترین تصویر از تلاقی شرق و غرب در قاره اروپاست که به نوعی حلقه واسط یک زنجیر در حوزه ژئوپلیتیک منطقه نیز بوده و هرگونه سمت‌گیری به یک طرف می‌تواند موازنه سیاسی - اجتماعی در ساخت درونی و تغییر در عرصه ژئوپلیتیک را به دنبال داشته باشد. تصویر اوکراین در ساخت داخلی به خلاف تصور عمومی برخوردار از یک تناقض ماهوی و دوقطبی ذاتی در بطن مولفه دولت - ملت به شیوه مدرن است که عبور از آن بدون در نظرگرفتن حساسیت‌های ملی و منطقه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به آسانی انجام نخواهد گرفت. در شرق اوکراین به لحاظ اینکه اکثریت مطلق از نژاد اسلاو و تقریبا ۴۰درصد آنان اصولا روس‌تبار هستند، مذهب مردم این منطقه همچون روس‌ها مسیحی ارتدوکس است، زبان بیشتر مردم شرق اوکراین، روسی بوده و به جهت همگرایی فرهنگی احساس مشترک با مردم روسیه دارند و مهم‌تر از همه اینکه شرق این کشور تقریبا تمام منطقه صنعتی کشور را در خود جای داده و از یک طرف طبقه کارگر، نهادهای سندیکایی و بخش مونتاژکاری یا وابستگی صنعتی آن تداوم رابطه نزدیک با روسیه را می‌طلبد. برعکس این موضوع، در غرب اوکراین بیشتر مردم پیرو مذهب کاتولیک بوده، زبان اوکراینی آلترناتیو زبانی است که بعضا حتی وقتی که دولت زبان روسی را به‌عنوان زبان دوم به رسمیت شناخت در غرب اوکراین صدای اعتراض بلند شد. در غرب این کشور ساخت اقتصادی بر مبنای کشاورزی است و به همین دلیل نزدیکی به اتحادیه اروپایی برای آنان هم منبع صادرات می‌تواند باشد و هم اینکه تقاضای کالای صنعتی و مصرفی هیچ دغدغه‌ای جهت تشدید بیکاری در صورت ورود صادرات اتحادیه ندارند. این عدم‌تجانس جغرافیای سیاسی و اقتصادی شرق و غرب اوکراین در کنار بازی‌های ژئوپلیتیک اتحادیه اروپایی و روسیه در طی رقابت‌های موجود دو اردوگاهی بنیان اصلی دوقطبی موجود در جدل‌های داخلی و خارجی اوکراین امروز است. تاکنون این موقعیت ویژه برای اوکراین به‌عنوان زنجیر واسط و کانون رقابت شرق و غرب در اروپا موجبات تهدید و فرصت‌های بسیاری بوده است. ترانزیت گاز روسیه از مسیر اوکراین به سمت کشورهای اروپایی و فروش گاز ارزان‌تر مسکو به کی‌یف در کنار خرید بخش اعظم تولیدات صنعتی این کشور توسط روسیه در کنار استفاده از امتیازات ویژه تحت عنوان اتحاد گمرکی توسط اوکراین در زمره فرصت‌هایی تلقی می‌شود که چرخ اقتصاد این کشور را تا به امروز به حرکت درآورده است. آنچه اتحادیه اروپایی می‌تواند به اوکراین بدهد با توجه به تجربه تاریخی درمورد دیگر کشورهای حوزه شرقی که به این اتحادیه پیوسته‌اند بیشتر در قالب یک «پرستیژ» است که بیشتر در حوزه دموکراتیزاسیون سیاسی و تردد آسان شهروندان به سمت اروپا را فراهم می‌کند در صورتی‌که این کشور در بازار اروپایی حرف چندانی برای گفتن نخواهد داشت. هم‌اکنون اوکراین از بسیاری از امتیازات اتحاد گمرکی با روسیه استفاده می‌کند و در صورت درنظرنگرفتن منافع مسکو در آینده و شروع تنبیهات روس‌ها، کی‌یف دچار یک فروپاشی اقتصادی و تنش حاد در دوقطبی موجود خواهد شد. اینکه اتحادیه اروپایی در نشست ویلنوس از زبان «خوزه مانوئل بارسو» رییس کمیسیون اروپا بعد از شکست مذاکرات با یانوکوویچ می‌گوید «ما به کشور ثالث اجازه مداخله در مذاکرات دوجانبه را نمی‌دهیم» با توجه به تبعات پیمان تجارت آزاد بین اتحادیه و اوکراین چندان با منطق سیاسی و حتی اقتصادی سازگار نیست. در صورت امضای این توافق عوارض گمرکی صادرات اروپا به اوکراین مشمول کاهش ۸۵درصدی می‌شود و بعدا همین کالاها به واسطه اتحاد گمرکی با روسیه به سهولت وارد این کشور شده و می‌تواند اخلال و زیان بزرگ اقتصادی برای مسکو به دنبال داشته باشد. به‌طور حتم تا زمانی که تکلیف روابط بنیادین اتحادیه اروپایی با روسیه به سرانجام نرسیده است، مسکو اجازه این تداخل منافع را نداده و کی‌یف نیز قبل از آن باید تکلیف خود را نسبت به تعادل‌بخشی بین غرب و شرق در حال رقابت روشن کند. اینکه ویکتور یانوکوویچ در جواب منتقدان اروپایی خود می‌گوید: «برنامه ما تغییر نمی‌کند فکر می‌کنیم زمانی به این توافق خواهیم رسید که به اقداماتی دست بزنیم و راه‌حل‌هایی برای مشکلات اقتصادی بیابیم، آنوقت فرصتی برای امضای توافقنامه همکاری راهبردی با روسیه پیدا خواهیم کرد و این همان چیزی است که به آن نیاز داریم. ازاین‌رو سعی می‌کنیم روابط بین اتحادیه اروپا، روسیه و اوکراین را عادی سازیم. این وظیفه ماست» بخشی از یک واقعیت موجود است. اینکه هم‌اینک بسیاری در اتحادیه اروپا و غربگرایان اوکراینی که این روزها خیابان‌های کی‌یف را در اعتراض نسبت به رییس‌جمهوری، عرصه حضور خود قرار داده‌اند، آن را نمی‌بینند بیش از آنچه منطقی باشد رقص در صحنه احساس است. از آنجا که رهبران مسکو نسبت به نقض منافع ملی خود توسط اتحادیه اروپایی و گسترش آن به سمت شرق و در حوزه نفوذ خود به‌شدت معترض و خشمگین هستند، هرگونه اقدام یکجانبه توسط کشورهای اقماری این حوزه به‌خصوص زمانی که از امتیازات ویژه مسکو استفاده می‌کنند لاجرم با اقدامات تنبیهی سخت مواجه می‌شود. دولت اوکراین از یک سو این واقعیت ژئوپلیتیک را می‌داند و از سوی دیگر جایگاه رای‌دهندگان به «حزب مناطق» به‌عنوان حزب حاکم و موتلف خود حزب کمونیست در بخش شرقی اوکراین است که همواره روسیه را بر اتحادیه اروپایی ترجیح می‌دهند. اصولا اوکراین زمانی می‌تواند بدون دردسر به توافق تجاری با اتحادیه اروپایی برسد که قبل از آن توازن و تعامل لازم برای عدم نقض منافع همسایه بزرگ شرقی خود را فراهم کرده باشد در غیراین صورت مناقشه شرقی - غربی در اوکراین همچنان ادامه خواهد داشت.